

## راه کارهای عملی اسلامی شدن دانشگاه‌ها بارویکردی به دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی

سیف‌اله فضل‌الهی\*

محمّدتقی حاج‌ابراهیمی\*\*

### چکیده

هدف تحقیق حاضر، شناسایی و طبقه‌بندی راه‌کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها براساس دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است. روش تحقیق علاوه بر مطالعه اسنادی، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل همه ۴۰ نفر استادان دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در نیم‌سال اول تحصیلی ۸۸-۸۹ می‌باشد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه‌ای حاوی تعداد ۱۵ راهکار (مؤلفه)، در طیف پنج درجه‌ای لیکرت بود، و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد از عملی‌ترین راه‌کارها برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، به ترتیب اهمیت و اولویت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: ۱. به کارگیری مدیران متعهد، متدین و حساس به مبانی و ارزش‌های اسلامی در کوتاه‌مدت و بلندمدت؛ ۲. تجدیدنظر بنیادین در ساختار نظام آموزشی و پژوهشی؛ ۳. ترسیم شاخص‌های شفاف یک دانشگاه اسلامی؛ ۴. بازسازی نظام فرهنگی حاکم بر دانشگاه‌ها با رویکرد ارزشی؛ ۵. تقویت و تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه؛ ۶. ارتقای سطح استقلال فکری و خودباوری علمی اندیشمندان و متخصصان؛ ۷. گزینش دقیق و سازمان‌دهی شده اعضای هیأت علمی و استادان دانشگاه‌ها؛ ۸. برنامه‌ریزی برای بومی‌سازی علوم انسانی.

**کلیدواژه‌ها:** اسلامی شدن، دانشگاه‌ها، راه‌کارها، استادان معارف اسلامی.

## مقدمه

کاربلد و ماهر برای ارتقای شیوه زندگی ندارند. از این رو، شکی نیست که ترویج هرچه بیشتر آموزه‌های دینی و فراگیرکردن امور فرهنگی و گسترش دامنه شمول آن و جذب تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطبان از مهم‌ترین دغدغه‌های مجموعه‌ها و دست‌اندرکاران و فعالان حوزه‌های فرهنگ و اندیشه به ویژه مراکز علمی و دانشگاهی است و یقیناً یکی از عوامل آسیب‌زادر حوزه شخصیت، اخلاق و ایمان مذهبی جوانان، بخصوص قشر اندیشمند و فرهیخته دانشجوی، روش‌های ناکارآمد و ارائه نادرست برنامه‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها در راستای تحکیم ارزش‌ها و باورهای فرهنگی متأثر از فلسفه اجتماعی است؛ امری که تحت عنوان «انقلاب فرهنگی» از همان اول شکل‌گیری نظام اسلامی در سال ۱۳۵۷ پایه‌گذاری شده و با هدف اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها برای تحقق دغدغه‌های فوق تلاش می‌کند تا از یک‌سو، دانشگاه‌ها را مستقل و بومی سازد، و عزت و اقتدار دانشمندان را حفظ نماید و از سوی دیگر، تأثیرگذاری آن بر فرهنگ و روش‌های زندگی را بر مبنای فرهنگ واقعی و اصیل اسلامی و ایرانی از طریق ابزارهای در اختیار خود (دانش) و الگوهای رفتاری (مدیران، استادان، کارکنان و مخاطبان) درون‌زا نماید تا در فرایند اجتماعی شدن، در خدمت تربیت انسان‌های سالم، ماهر، متخصص، توانمند و بومی شده باشد و برای توسعه پایدار و همه‌جانبه جامعه تلاش نماید.

تحقیق حاضر درصدد است راه‌کارهای مناسب و عملی برای تحقق این دانشگاه را که با تمام وجود و ارکان خود مبادی فرهنگ جامعه باشد، براساس دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی قم شناسایی و به ترتیب اهمیت، اولویت‌گذاری نماید.

دانشگاه در جریان گسترش نظام سرمایه‌داری، به همراه سایر پدیده‌هایی که خاستگاه آن غرب است به جوامع دیگر از جمله ایران منتقل گردید و در طول زمان به صورت بخشی از ساختار این جوامع درآمد. در فرایند این انتقال اگرچه به تناسب شرایط ساختاری، کارکردهای دانشگاه در محیط اجتماعی بزرگ‌تر تغییر یافت، اما مؤلفه‌های فرهنگی آن تغییر چندانی نکرد و علی‌رغم اینکه دانشگاه در توسعه و نوسازی، تربیت کادر رهبری و تغییر سیاسی نقش دارد و تحصیلات دانشگاهی به نماد وجهه و منزلت و ارزش‌های اجتماعی و به یک ایدئولوژی تبدیل می‌شود با این حال، آنچه به صورت تثبیت شده در حیات دانشگاهی استمرار دارد، ارزش‌ها و باورهای مرتبط با علم است.<sup>(۱)</sup>

ایجاد دانشگاه‌ها در جامعه ما ناشی از عوامل برون‌زا بود و متأسفانه بین نهاد علم و آموزش عالی و ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن و سایر نهادهای اجتماعی (دینی، اقتصادی، سیاسی و...) پیوند متعادلی ایجاد نشده و این باور در بسیاری از صاحب‌نظران و مدعیان ارزش‌های عام، شکل نگرفته است که نظام آموزش عالی برای تحقق کارکردهای علمی‌اش باید نظام ارزشی و هنجارهای خاص خود را داشته باشد. از کارکردهای دانشگاه‌ها علاوه بر تولید دانش، فرهنگ‌سازی و ارائه خدمات، و توسعه فرهنگ عمومی جامعه است.<sup>(۲)</sup> فرهنگ نیز بیانگر روش زندگی افراد یک جامعه است که براساس یک فلسفه مسلط اجتماعی و از طریق تعامل بین انسان‌ها شکل گرفته، توسعه یافته و به نسل‌های بعدی منتقل شده است، و یقیناً نهادهای اجتماعی به ویژه دانشگاه‌ها رسالتی جز توسعه فرهنگی به عنوان مهم‌ترین رکن توسعه همه‌جانبه برای داشتن انسان‌های سالم از نظر جسمانی و روانی، و

## بیان مسئله

رسالت اصلی دانشگاه در هر جامعه‌ای، آموزش نیروی انسانی متخصص و تأمین بعد تخصصی زندگی اجتماعی آنان از طریق تولید دانش تخصصی، جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، رشد و پرورش شخصیت، تغییر و تحول، انتظام، انسجام و وحدت، پرورش سیاسی و... می‌باشد که از طریق پوشش نیازهای رشد و توسعه و بهبود شرایط زندگی با بهره‌گیری از دانش بومی شده، متناسب با فرهنگ مسلط اجتماعی (دین و فرهنگ) و تأثیرگذاری به واسطه داشتن اندیشمندان و نظریه‌پردازان علمی و کادر هیأت علمی خود، می‌کوشد با برخوردار کردن جامعه از انسان‌های توانمند و سالم و آشنا به دانش‌های بنیادین، ارزش‌های اجتماعی و نمادهای فرهنگ اسلامی، در عین اشاعه و مبادی آداب، زمینه‌ساز توسعه پویا، جامع، و درون‌زا و مبتنی بر داشته‌ها و آرزوهای خود باشد. در این بین، کارکرد آنهایی خوب است که بتوانند بین نیازهای مخاطبان، بهره‌برداران و جامعه در تمام ارکان خود، از نظر دانش، بینش و توانش تعادل برقرار کنند و یقیناً دور از انتظار نیست که اکنون به واسطه استقرار نگرش دینی متأثر از اسلام بر ارکان جامعه ایران، دانشگاه‌ها نیز با مجهز کردن خود به ویژگی‌های مذکور، در تحقق جامعه اسلامی به معنای واقعی کلمه نقش فعالی بر عهده بگیرند و پرچم‌دار این تحول باشند.

از این‌رو، استقرار دانشگاه اسلامی امری مهم و ضروری است و نیز اتخاذ تدابیر و راه‌کارهای مناسب، مؤثر، کم‌هزینه، زودبازده و تضمین‌کننده برای عملی شدن آن بسیار ضروری است. در این تحقیق، دغدغه اصلی دسترسی به راه‌کارهای عملی و اولویت‌بندی شده برای تحقق دانشگاه اسلامی با مراجعه به دیدگاه‌ها و تجارب استادان دروس معارف اسلامی دانشگاه‌های اسلامی واحد قم می‌باشد.

## اهداف و سؤالات ویژه تحقیق

مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارتند از:

۱. شناخت راه‌کارهای مناسب برای اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها؛ ۲. اولویت‌بندی راه‌کارهای مناسب و عملی از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی؛ ۳. جلب توجه و حساسیت مدیران و مسئولان آموزش عالی نسبت به ضرورت اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها؛ ۴. تحلیل تأثیرات نسبی فعالیت‌های انجام شده در این خصوص.

از این‌رو، سؤالات تحقیق بر مبنای اهداف مزبور چنین طراحی شدند:

۱. چه راه‌کارهای مفیدی برای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها وجود دارد که در عین سادگی، سهولت، و مقرون به صرفگی بتوان مورد استفاده قرار داد؟

۲. با توجه به تجارب چندین ساله استادان دروس معارف اسلامی، دیدگاه آنان در این زمینه چیست؟ و کدام راه‌کارها را در اولویت می‌دانند؟

۳. آیا به کارگیری روش‌هایی مانند تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها و جداکردن کلاس‌های دانشجویان دختر و پسر می‌تواند زمینه اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها را افزایش دهد؟

۴. آیا اعمال الزاماتی برای رعایت موازین شرعی و حمایت از ارزش‌های دینی و معنوی، از جمله اجبار در حجاب دختران و توسعه نماز و... راه‌کار مناسبی برای این مهم است؟

۵. آیا افزایش واحدهای درسی مربوط به دروس معارف اسلامی، ارتقای بینش فکری و اجتماعی دانشجویان، و تدوین متون درسی براساس آموزه‌های اسلامی می‌تواند در داشتن دانشگاه اسلامی مفید باشد؟

۶. توسعه استقلال فکری و رهیدن از وابستگی به اندیشمندان غربی، بومی‌سازی علوم انسانی، و بازسازی نظام فرهنگی مناسب ارزش‌های اجتماعی، تا چه حدی

در اسلامی شدن دانشگاه‌ها مؤثر است؟

۷. بازسازی نظام آموزشی - پژوهشی، تأمین و تربیت استادان متعهد و مدیران دارای احساس دینی، و به کارگیری آنان در اداره دانشگاه‌ها، یا تجدید معیارهای گزینش و اعمال سرسخت آن برای انتخاب مدیران و استادان چه نقشی می‌تواند در این زمینه داشته باشد؟

۸. تبیین معیارهای یک دانشگاه اسلامی و ایجاد یک اجماع روی این معیارها بین صاحب‌نظران و محققان تا چه حدی در تحقق دانشگاه اسلامی نقش دارد؟

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، یک مطالعه کاربردی و از لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی از نوع پیمایشی به همراه بررسی اسناد و منابع علمی موجود است. جامعه آماری تحقیق شامل همه ۴۰ نفر استادان دروس معارف اسلامی دارای مجوز تدریس از معاونت امور اساتید نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها برای تدریس دروس مذکور در نیم‌سال اول سال تحصیلی ۸۸-۸۹ بودند که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم مشغول تدریس می‌باشند. به دلیل محدودیت جامعه آماری، نمونه آماری معادل کل جامعه آماری تعیین گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا منابع موجود در خصوص موانع و راه‌کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها شناسایی گردید و پس از منبع‌شناسی و تعیین و گردآوری مقاله‌های علمی تدوین شده در رابطه با موضوع، بیش از ۲۵ مقاله مطالعه و فیش‌برداری شد. پس از تجزیه و تحلیل راه‌کارهای شناسایی شده، با مشاوره متخصصان، تعداد ۱۵ راهکار که به نظر علمی‌تر و مورد نظر اغلب منابع بود استخراج، و در نهایت در قالب یک پرسش‌نامه محقق‌ساخته، حاوی ۱۵ مؤلفه در طیف

۵ درجه‌ای لیکرت در سطوح بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم، بسیار کم به ترتیب با نمرات ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ و تعداد ۲ سؤال بازپاسخ برای درج دیدگاه‌های استادان طراحی گردید و به تعداد اعضای نمونه تکثیر شد و از طریق مراجعه مستقیم، در اختیار استادان معارف اسلامی قرار گرفت و همزمان پس از تکمیل توسط آزمودنی‌ها مجدداً جمع‌آوری گردید و پس از بررسی و تفکیک پرسش‌نامه‌های ناقص و غیرقابل استفاده، تعدادی از آنها کنار گذاشته شد و فقط پرسش‌نامه‌های کامل که تعداد دقیق آن ۳۰ مورد بود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. اعتبار صوری پرسش‌نامه با استفاده از راهنمایی استادان و پژوهشگران متخصص و سه نفر از اعضای جامعه آماری انجام شد و اصلاحات لازم پیش از اجرای پرسش‌نامه صورت گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از آمار توصیفی در حد تعیین میانگین و رتبه‌بندی دیدگاه استادان استفاده شده است.

### دانشگاه اسلامی

بنیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: معنای اسلامی شدن دانشگاه‌ها این است که استقلال پیدا کند و خودش را از وابستگی به غرب جدا کند و خود را از وابستگی شرق جدا کند و یک کشور مستقل و دانشگاه مستقل و یک فرهنگ مستقل داشته باشیم.<sup>(۳)</sup> مراد از اسلامی شدن دانشگاه‌ها این است که شما عناصر دانشگاه همسو و هم‌جهت با ارزش‌ها و ایده‌آل اسلامی باشند و یا حداقل در تعارض با الگوها، ارزش‌ها و آرمان‌های والای الهی - انسانی نباشند.<sup>(۴)</sup> بر این اساس، اسلامی شدن به معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه یا صنف خاص در دانشگاه‌ها نیست، بلکه عجزین ساختن دانش‌اندوزی با آداب معنوی و ارزش‌های والای الهی و

حیث نظری و تحلیلی و هم به لحاظ علمی با پرسش‌های بسیاری روبه‌روست.<sup>(۱۰)</sup> دانشگاه اسلامی رویکردی است که می‌تواند در ارتقای فرهنگ دینی از طریق ارائه الگویی توأمان از علم و دین، دمیدن روحیه تعهد و الزام اجتماعی در میان دانشجویان و پژوهشگران برای بهره‌مندی از معرفت و افزایش مسئولیت‌پذیری، جهت‌دهی درس‌های پنهان نظام دانشگاهی به سوی ارزش‌های متعالی دینی و ارتقای فرهنگ عمومی آنان، فضا سازی علمی مطلوب به منظور ارائه راه کارهای علمی برای فائق آمدن بر اختلافات، بازسازی تمدن اسلامی در پرتو توسعه علمی و با حضور نظری و فیزیکی دانشگاهیان<sup>(۱۱)</sup> تأثیر داشته باشد. از دیدگاه موافقان ضرورت انقلاب فرهنگی و جدی گرفتن ادامه آن در قالب حرکت اسلامی کردن دانشگاه‌ها، ارج نهادن و پاس‌داری از رشد و تکامل در پرتو این حرکت فرهنگی و لزوم تبیین ضعف‌ها و ترسیم برنامه‌هایی برای آینده از دلایل تداوم این کار است؛ اما مخالفان معتقدند این کار نوعی قشری‌گری و فرصت‌طلبی، انحصارطلبی و گروه‌گرایی بوده و انقلاب فرهنگی را زیانبار می‌نماید و اسلامی کردن را حرکتی برای بی‌رقیب کردن حاکمیت، ارضای حس ظاهرپسندی قشریون مذهبی، تحقیر دانشگاه‌ها و کادر علمی تلقی می‌نمایند.<sup>(۱۲)</sup> از موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. موانع درونی؛ مانند فضای فکری و ذهنی ارکان دانشگاه (استادان، مدیران، دانشجویان، محتوا)؛
۲. موانع بیرونی؛ مانند موانع اجتماعی از قبیل خانه، مدرسه، محیط، مشکلات اقتصادی، تهاجم فرهنگی و موانع دولتی؛ مانند فقدان برنامه‌ریزی و تدابیر مناسب از سوی مسئولان فرهنگی؛<sup>(۱۳)</sup> ۳. ابهام در برخی ارزش‌ها، حدود و وظایف فقهی و حقوقی؛<sup>(۱۴)</sup> ۴. افراط و تفریط

اخلاقی می‌باشد. نیز به معنای گنجانیدن تعالیم دینی در مسائل مربوط علوم نیست، بلکه به معنای دمیدن روح معنویت و ارزش‌ها، آرمان‌ها، رسالت و تعهد دینی و انسانی در جامعه علمی است. اسلامی شدن دانشگاه‌ها یعنی: مبارزه با انحرافات جامعه علمی، جلوگیری از تبدیل دانشمندان به رایانه‌ای بدون احساس و عاطفه و تعهد دینی و دمیدن روح استقلال در اندیشمندان، عالمان و جامعه علمی کشور. به عبارت دیگر، هدف از اسلامی شدن دانشگاه‌ها، در درجه اول به روح دانشگاه مربوط است؛ آرمان‌ها، اهداف و خلق و خوی دانشگاه‌ها باید اسلامی گردد و اصلاح ظاهر، اگرچه شرط لازم تحول دانشگاه است، اما به هیچ وجه کافی نیست.<sup>(۵)</sup>

دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که هدف آن، هدف‌های اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیروهای مؤمن و متعهد تشکیل بدهند و ارزش‌ها نیز در اولویت باشند؛<sup>(۶)</sup> در دیدگاه دیگری، دانشگاه اسلامی همچون جامعه‌ای اسلامی جایی است که ارزش‌های حاکم در آن ارزش‌های اسلامی باشد و اگر اصول تبعیدی و اعتقادی و عملی اسلام در محیط دانشگاه به صورت ارزش درآمد آن دانشگاه اسلامی است.<sup>(۷)</sup> از ویژگی‌های دانشگاه اسلامی، خردورزی دینی، عقل انتقادی، حفظ حرمت، آزادی و کرامت انسانی و تعمیق تفکر دینی و داشتن کادر اداری، آموزشی، هیأت علمی، نظام پژوهشی و ساختار نظام طرح و برنامه‌ریزی مناسب برای صلاحیت دادن رشد و تعالی دانشجویان و رساندن آنان به اوج شخصیت ربانی و خداگونه است.<sup>(۸)</sup>

موضوع اسلامی شدن دانشگاه‌ها همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و با شروع انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ آغاز شد<sup>(۹)</sup> و در فرایند تحول خود فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذاشت؛ ولی هنوز، هم از

زندگی و حل نقاط کور در مناسبات فردی و اجتماعی و شکستن حصارهای جهل و خرافه و معرفی سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی ﷺ به عنوان دینی کامل و جهان‌شمول به صورت جامع و مانع در دانشگاه‌ها؛

۴. تدوین متون درسی معارف اسلامی متنوع متناسب با رشته‌های مختلف تحصیلی و امکان‌سنجی افزایش واحدهای درسی متناسب با دیدگاه‌های اسلامی در رشته‌های گوناگون دانشگاهی؛

۵. برنامه‌ریزی، آموزش و ارتقای توانمندی‌های علمی، ارتباطی و نگرش و تلاش در استفاده بیشتر از افراد باصلاحیت و اسلام‌شناسان برخوردار از مهارت‌های تدریس در ارائه معارف اسلامی دانشگاه‌ها؛

۶. حفظ و ارتقای کیفیت آموزشی و بینش فرهنگی، سیاسی و اجتماعی استادان، دانشجویان، متون علمی، کارکنان و... براساس ارزش‌های اسلامی و دینی؛

۷. رفع ضعف‌های موجود در تربیت استادان و مدیران متعهد، متدین، متخصص و حساس به ارزش‌های اصیل اسلامی؛

۸. تقویت جایگاه علوم انسانی و توسعه علوم بین‌رشته‌ای و تلاش در جهت بومی‌شدن آن؛

۹. تحکیم و ترویج ارزش‌های اسلامی (مانند حجاب، نماز، امر به معروف و نهی از منکر) و تضعیف ارزش‌های غربی در محیط دانشگاهی؛

۱۰. تبدیل جریان اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها به یک جنبش علمی - دینی و زمینه‌سازی برای نظریه‌پردازی و خلاقیت علمی؛

۱۱. مدیریت اسلامی و بهینه‌سازی مدیریت دانشگاه‌ها؛

۱۲. تربیت دانشجویان متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلابی؛

۱۳. تحول ساختاری در متون درسی و انطباق با

در قلمرو و آزادی از جمله اعطای آزادی بدون جهت‌دهی و صرفاً در راستای حفظ سنگر آزادی و یا کنترل مستبدانه و ایجاد خفقان در راستای حمایت از ارزش‌های دینی و معنوی؛<sup>(۱۵)</sup> ۵. به کارگماری استادان و مدیران فاقد تعلق دینی و حساسیت مذهبی، استادان و مدیران فاقد انعطاف، جامع‌نگری، واقع‌بینی و سعه صدر؛<sup>(۱۶)</sup> ۶. عنوان‌گرایی و علم‌زدگی در بین استادان و مدیران و دوری از واقع‌نگری و دین‌محوری در دانشگاه‌ها و عدم همسویی آنها با معیارهای صحیح.

#### راه‌کارهای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها

برخی از راه‌کارهای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. نفی قرائت‌های ناصواب از موضوع اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها و تبیین ماهیت واقعی این موضوع و ایجاد یک اتفاق و اجماع در بین اندیشمندان و صاحب‌نظران؛<sup>(۱۷)</sup>

۲. ارتقای کیفی دانشگاه‌ها متناسب با الگوی

استاندارد دانشگاه‌های معتبر دنیا از طریق کاهش مراکز تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها، جایگزینی کیفیت به جای کمیت، پژوهش‌محوری به جای آموزش‌محوری، تقاضا‌محوری در انجام تحقیقات به جای عرضه‌محوری، توجه کافی به علوم انسانی و رفع ضعف‌های موجود در

ارائه آن، تکریم و رعایت شئون‌ات مادی و معنوی استادان، زمینه‌سازی برای اشتغال دانش‌آموختگان، ایجاد تناسب بین نیاز بازار کار و رشته‌های تحصیلی، افزایش

تعاملات بین دانشگاه و صنعت، افزایش اعتبارات آموزش عالی و فعالیت‌های تحقیقاتی، تأمین منابع علمی بین‌المللی، حذف فرهنگ مدرک‌گرایی، توجه به

پرورش و استانداردسازی نظام آموزش عالی؛<sup>(۱۸)</sup>

۳. به کارگیری توان عظیم فقه در گره‌گشایی معضلات

مسائل روز و با رویکردی به مبانی دینی؛  
۱۴. گزینش دقیق متناسب با معیارهای دینی در به  
کارگیری استادان نخبه؛<sup>(۱۹)</sup>  
۱۵. ایجاد تحول بنیادین در حوزه برنامه‌ریزی  
آموزشی و پژوهشی؛  
۱۶. تجدیدنظر در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی  
دانشگاه‌ها؛  
۱۷. وحدت بین حوزه و دانشگاه به صورت عملی  
برای مهندسی طرح‌های تحول علمی و علوم انسانی.

### پیشینه عملی تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد تحقیقات توصیفی زیادی در  
مورد راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها انجام نشده است  
و اغلب به صورت مطالعات کتابخانه‌ای سعی در تبیین  
دیدگاه‌ها و موانع و چالش‌های پیش‌روی داشته‌اند که در  
زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.  
مقاله «از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی» برگزاری  
همایش‌ها و گردهمایی‌ها برای تبیین دقیق موضوع و  
تزریق نیروهای متعهد و معتقد به دانشگاه‌ها، بخصوص  
مدیریت مراکز آموزش عالی، دقت در گزینش و  
سازمان‌دهی استادان، و تغییر در ساختار آموزشی،  
پژوهشی و اداری و طرد نیروهای دگراندیش از  
مسئولیت‌ها را به عنوان برنامه‌های کوتاه‌مدت، و تربیت  
استادان متعهد، اصلاح منابع براساس منابع اسلامی و  
ایمن‌سازی و مصونیت فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و  
نهادینه کردن ارزش‌ها را از راه کارهای بلندمدت  
اسلامی شدن دانشگاه‌ها بیان می‌کند.<sup>(۲۰)</sup>  
مقاله «راه کارهای عملی اسلامی شدن دانشگاه‌ها»،  
مهم‌ترین راه کارها را در گزینش رؤسا و کادر هیأت علمی،  
بازنگری متون درسی و جهت دادن به تحقیقات، و  
جدیت در انجام مراسم عبادی از جمله نماز، و حجاب و

جلوگیری از اختلاط دانشجویان دختر و پسر می‌داند.<sup>(۲۱)</sup>  
گروه مطالعاتی معاونت پژوهشی نهاد رهبری در  
دانشگاه‌ها<sup>(۲۲)</sup> در پژوهشی تحت عنوان «تحلیلی بر  
اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، بر استفاده از افراد صاحب‌نظر و  
متمرکز برای برنامه‌ریزی عملی و منطقی، اجتناب از  
اندیشه انتزاعی و واقع‌بینی و توجه عملی به شرایط و  
امکانات، و استفاده از تبلیغات صحیح و جلوگیری از  
ارعاب و تهدید دانشجویان و دانشگاهیان از طریق امر به  
معروف و نهی از منکر کمیته انضباطی و گزینش تأکید می‌نماید.<sup>(۲۳)</sup>  
در مقاله زراعت<sup>(۲۴)</sup> «راه‌های اسلامی کردن  
دانشگاه‌ها»، ایجاد فرهنگ اخلاص و تحصیل برای خدا،  
پرهیز از مدرک‌گرایی، تجدیدنظر در دروس و رشته‌ها  
مطابق منابع شرعی و اسلامی، نظارت و کنترل جزوات  
درسی، گزینش استادان، دانشجویان و کارمندان، انتخاب  
و انتساب افراد متخصص و متعهد در مدیریت دانشگاه‌ها،  
افزایش اعتبارات، وحدت حوزه و دانشگاه و احیای  
سنت اسلامی بحث آزاد برای ارائه افکار و عقاید را به  
عنوان راه کارهای اسلامی شدن معرفی می‌نماید.  
تقوی مقدم در مقاله «اولویت‌گذاری در برنامه  
کوتاه‌مدت اسلامی شدن دانشگاه‌ها» مهم‌ترین راهکار را  
در تربیت استاد به دلیل تأثیراتش در ابعاد مختلف دانشگاه  
می‌داند.<sup>(۲۵)</sup> خادمی نیز در مقاله خود نقش دانشجویان در  
اسلامی شدن دانشگاه‌ها، تغییر بنیادی در همه ابعاد  
دانشگاه با مسئولیت‌پذیری همه ملت و دولت را امری  
قابل تحقق برای عملی شدن و خروج از شعار  
می‌داند.<sup>(۲۶)</sup> عیوضی در مقاله «قطره‌ای از دریا» دو رکن  
اصلی دانشگاه یعنی دانشجو و استاد را در ایجاد دانشگاه  
اسلامی و به منصف ظهور رسانیدن اهداف متعالی اسلام و  
رعایت تعلیم و تزکیه بسیار مهم دانسته است.<sup>(۲۷)</sup>  
حسین علی احمدی در مقاله «مفهوم و ماهیت دانشگاه  
اسلامی»، از جمله عوامل اصلی عدم توفیق ستاد انقلاب

این مطالعه نقش بازسازی فرهنگی آموزشی و پژوهشی مناسب با ارزش‌های اسلامی و تعامل علمی بین حوزویان و دانشگاهیان را چندان اثربخش نمی‌نمایاند. (۳۳)

اخوان کاظمی در مقاله‌ای راه‌کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها را در زودودن موانع، تأکید بر سیاست شایسته‌سالاری و تقویت علوم انسانی و جنبش تولید علم و حل مشکلات معیشتی استادان، تحکیم و ترویج ارزش‌های اسلامی و انقلابی و تضعیف ارزش‌های غربی به عنوان راهکاری مناسب دانسته است. (۳۴)

همچنین نوایی «راه‌کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها» را تکیه بر اصول مدیریت اسلامی و بهینه‌سازی مدیریت دانشگاه‌ها و تربیت دانشجویان متناسب با ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی و اصل تحول ساختاری متون درسی و گزینش استادان و پرهیز از سیاست‌بازی معرفی کرده است. (۳۵)

### تجزیه و تحلیل اطلاعات

جدول شماره ۱: ویژگی‌های جمعیتی نمونه مورد مطالعه

متغیر	سطوح	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۸	۹۳
	زن	۲	۷
سن	۳۰-۴۰ سال	۷	۲۳
	۴۰-۵۰ سال	۱۴	۴۷
	۵۰ و بالاتر	۹	۳۰
رشته تحصیلی	الهیات و معارف اسلامی	۱۲	۴۰
	اخلاق اسلامی	۳	۱۰
	تاریخ اسلامی	۴	۱۳
	سایر رشته‌ها	۱۱	۳۷
	سطح سه	۶	۲۰
سطح تحصیلات	سطح چهار	۵	۱۷
	کارشناسی ارشد	۱۰	۳۳
	دکتر	۹	۳۰
مرتبه علمی	مربی	۱۵	۵۰
	استادیار	۹	۳۰
	دانشیار	۴	۱۳
	استاد	۲	۷

فرهنگی در سالیان گذشته را اکتفا به ظواهر دینی، پرداختن صرف به تهذیب، گرداندن مساجد و غفلت از آموزش عمیق و تخصصی دین می‌داند. (۲۸) دژاکام فقدان تلقی واحد از دانشگاه اسلامی، فقدان نظریه‌پردازی علمی، فقدان وحدت منطقی و مبنایی بین حوزه و دانشگاه، و فقدان همپوشی تعامل و روابط واقع‌بینانه بین علم و دین را از موانع شکل‌گیری دانشگاه اسلامی دانسته است. (۲۹) مقیسه در مقاله‌ای با اشاره به وجود ابهام در برخی ارزش‌ها، حدود و وظایف فقهی و حقوقی، بر ضرورت توجه به فضای اجتهادی حوزه‌های علمیه تأکید کرده است. (۳۰) بهداروند اطلاع‌رسانی صحیح به همراه تحریک انگیزه‌های پاک عناصر سه‌گانه دانشجوی، استاد و مدیر و بررسی ریشه‌ای و علمی موانع و مشکلات و ارائه راه‌کارهای بنیادین و تبلیغات اثربخش را راه‌کارهای مناسب اسلامی شدن دانشگاه‌ها معرفی می‌کند. (۳۱)

خان محمدی در مقاله «فرایند اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها در ایران»، ضرورت اجماع بر سرشاخص‌های اسلامی شدن، اعمال مدیریت واحد، و توجه به مؤلفه‌های نظام آموزشی، محتوای آموزشی، مدیریت، استادان، دانشجویان، و فضای دانشگاه را از راه‌های مناسب تحقق این مهم می‌داند. (۳۲) همچنین بانسی در راه‌کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها به صورت یک مطالعه توصیفی و پیمایشی، با انتخاب یک نمونه ۵۳ نفری به صورت تصادفی - طبقه‌ای به کمک پرسش‌نامه محقق‌ساخته حاوی ۳۰ سؤال، نشان داد مدیریت صحیح منابع و محتوای دانش براساس توانمندی‌های علوم انسانی و اسلامی بومی، بر اسلامی شدن دانشگاه‌ها می‌افزاید و غنی‌سازی محتوای برنامه‌های فرهنگی آموزشی و دانشجویی مطابق با بینش سیاسی اجتماعی و اسلامی فرایند اسلامی شدن را تسریع می‌بخشد که مطابق آزمون خی دو در سطح ۹۹ درصد به تأیید رسیدند. یافته‌های



## راه کارهای عملی اسلامی شدن دانشگاهها با رویکردی به دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی ■ ۷۵

داده‌های جدول نشان می‌دهد از نظر جنسیت تعداد ۲۸ نفر (۹۳٪) مرد و ۲ نفر (۷٪) زن و سن ۷ نفر از آنان (۲۳٪) بین ۳۰-۴۰ سال، ۱۴ نفر (۴۷٪) ۴۰-۵۰ سال و ۹ نفر (۳۰٪) بالای ۵۰ سال سن دارند. رشته تحصیلی ۱۲ نفر (۴۰٪) الهیات و معارف اسلامی، ۳ نفر (۱۰٪) اخلاق اسلامی، ۴ نفر (۱۳٪) تاریخ اسلام، ۱۱ نفر (۳۷٪) سایر رشته‌هاست. سطح تحصیلات تعداد ۶ نفر (۲۰٪) سطح سه حوزه، ۵ نفر (۱۷٪) سطح چهار حوزه، ۱۰ نفر (۳۳٪) کارشناسی ارشد، ۹ نفر (۳۰٪) دکتری می‌باشد و از نظر مرتبه علمی - دانشگاهی ۱۵ نفر (۵۰٪) مربی، ۹ نفر (۳۰٪) استادیار، ۴ نفر (۱۳٪) دانشیار و فقط ۲ نفر (۷٪) استاد می‌باشد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌ها و اولویت‌بندی راه کارهای اسلامی شدن دانشگاهها بر اساس دیدگاه استادان دروس اسلامی

رتبه	میانگین	نمره	جمع	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	راه کارهای اسلامی شدن دانشگاهها
۳/۵	۴/۵۷	۱۲۷	۳۰	-	-	۳	۹	۱۹	تسبیب و اجماع بر روی شاخص‌های یک دانشگاه اسلامی بین اندیشمندان
۲	۴/۶	۱۲۸	۳۰	-	-	-	۱۲	۱۸	بازسازی بنیادین نظام آموزشی - پژوهشی مناسب با ارزش‌های اجتماعی و مذهبی جامعه
۱۳	۴/۰۲	۱۲۱	۳۰	-	۲	۷	۹	۱۲	تفکیک جنسیتی دانشگاهها
۱	۴/۶۳	۱۳۹	۳۰	-	-	۲	۷	۲۱	تأمین، تربیت و به کارگیری مدیران متعهد و دارای حساسیت‌ایمانی مطلوب برای اداره دانشگاهها
۱۵	۳/۱۳	۹۴	۳۰	۱	۹	۸	۹	۳	الزامی شدن رعایت موازین اسلامی در دانشگاهها و حمایت از ارزش‌های دینی و معنوی
۷	۴/۴۷	۱۳۴	۳۰	-	۱	۲	۹	۱۸	تجدید نظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و سازمان یافته اعضای هیأت علمی بر اساس رویکرد دینی
۳/۵	۴/۵۷	۱۳۷	۳۰	-	-	۱	۱۱	۱۸	بازسازی نظام فرهنگی دانشگاهها متناسب با ارزش‌های اسلامی و اجتماعی
۹/۵	۴/۴۲	۱۳۲	۳۰	-	-	۵	۸	۱۷	بومی سازی علوم انسانی در دانشگاهها
۹/۵	۴/۴۲	۱۳۲	۳۰	-	-	۲	۱۴	۱۴	احیای سنت الهی بحث آزاد و ایجاد فضای سالم، امن برای طرح مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
۵	۴/۵۳	۱۳۶	۳۰	-	-	۳	۸	۱۹	تأمین نخبگان جویزوی - دانشگاهی در طراحی زیرساخت‌های مناسب جهت بازسازی علوم انسانی
۱۲	۴/۱۷	۱۲۵	۳۰	-	۱	۳	۱۶	۱۰	ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان از طریق سمینارها، نشست‌های فرهنگی و...
۱۴	۳/۵۳	۱۰۶	۳۰	۷	۶	۵	۶	۱۲	افزایش تعداد واحدهای درسی مربوط به معارف اسلامی در مقاطع مختلف تحصیلی (دانشگاه)
۸	۴/۴۴	۱۳۳	۳۰	-	۱	۲	۱۰	۱۷	ارتقاء سطح بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیأت علمی دانشگاهها
۶	۴/۵	۱۲۵	۳۰	-	-	۳	۹	۱۸	توسعه استقلال فکری و ارتقای خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان
۱۱	۴/۲۷	۱۲۱	۳۰	-	-	۳	۱۳	۱۴	تدوین متون برنامه‌های درسی براساس مبانی اسلامی به ویژه در علوم انسانی

نمره ۱۳۶، میانگین ۴/۵۳ در جایگاه پنجم، ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان از طریق همایش‌ها، نشست‌های فرهنگی و... با نمره ۱۲۵، میانگین ۴/۱۷ در موقعیت دوازدهم، افزایش تعداد واحدهای درسی مربوط به معارف اسلامی در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها با نمره ۱۰۶، میانگین ۳/۵۳ در رتبه چهاردهم و ارتقای سطح بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها با نمره ۱۳۳، میانگین ۴/۴۴ در مرتبه هشتم، توسعه استقلال فکری و ارتقای خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان با نمره ۱۳۵، میانگین ۴/۵ در مقام ششم و تدوین متون برنامه‌های درسی بر اساس مبانی اسلامی به ویژه در علوم انسانی با نمره ۱۳۱، میانگین ۴/۳۷ در پله یازدهم قرار گرفتند.

### بحث و نتیجه‌گیری

بررسی نمرات و رتبه‌بندی تعداد ۱۵ راهکار توسط استادان دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، نشان می‌دهد:

۱. تأمین و تربیت و به‌کارگیری مدیران متعهد و دارای حساسیت ایمانی مطلوب برای اداره دانشگاه‌ها با نمره ۱۳۹ و میانگین ۴/۶۳ رتبه اول را کسب کرده است و گویای این موضوع است که به نظر می‌رسد مهم‌ترین و اثربخش‌ترین راهکار در فرایند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها، در برخورداری از مدیران متعهد و معتقد به مبانی اسلامی و احساس مسئولیت دینی نسبت به ضرورت و لزوم اسلامی‌شدن دانشگاه‌هاست. این راهکار، با یافته‌های مروتی مبنی بر وارد کردن نیروهای مسلمان، معتقد و انقلابی به پیکره فکری و مدیریتی دانشگاه‌ها به عنوان یک برنامه کوتاه‌مدت و زودبازده، و باقرآبادی که نشان داد از مهم‌ترین راه‌کارها برای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها دقت در گزینش رؤسا است و نیز زراعت در تأکید بر

جدول مزبور فراوانی پاسخ‌های استادان دروس معارف اسلامی و اولویت‌بندی راه‌کارهای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها را نشان می‌دهد. همچنان‌که ملاحظه می‌شود، تبیین شاخص‌های یک دانشگاه اسلامی و ایجاد اجماع در بین اندیشمندان به عنوان یک راهکار با کسب نمره ۱۳۷ و میانگین ۴/۵۷ در رتبه ۳/۵ قرار گرفته است و از مجموع ۳۰ آزمودنی تعداد ۱۹ نفر تأثیر آن را بسیار زیاد، ۹ نفر زیاد و ۳ نفر متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین بازسازی بنیادین نظام آموزشی - پژوهشی مناسب با ارزش‌های اجتماعی و مذهبی جامعه با انتخاب گزینه «بسیار زیاد» توسط ۱۸ نفر و «زیاد» توسط ۱۲ نفر و با کسب نمره ۱۳۸٪ و میانگین ۴/۶ در رتبه دوم قرار گرفته است.

آزمودنی‌ها با اختصاص دادن نمره ۱۲۱ و میانگین ۴/۰۲ تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها را در بین ۱۵ راهکار در جایگاه سیزدهم قرار دادند و تأمین و تربیت و به‌کارگیری مدیرانی متعهد و دارای حساسیت ایمانی مطلوب برای اداره دانشگاه‌ها را با نمره ۱۳۹، میانگین ۴/۶۳ در رتبه اول قرار دادند. از سوی دیگر، الزامی‌شدن رعایت موازین اسلامی در دانشگاه‌ها و حمایت از ارزش‌های دینی و معنوی با کسب نمره ۹۴، میانگین ۳/۱۳ در رتبه ۱۵ و تجدیدنظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و سازمان‌یافته اعضای هیأت علمی بر اساس رویکرد دینی با نمره ۱۳۴، میانگین ۴/۴۷ در اولویت هفتم و بازسازی نظام فرهنگی دانشگاه‌ها متناسب با ارزش‌های اسلامی و اجتماعی با نمره ۱۳۷، میانگین ۴/۵۷ در جایگاه ۳/۵، بومی‌سازی علوم انسانی در دانشگاه‌ها به همراه احیای سنت الهی بحث آزاد و ایجاد فضای سالم و امن برای طرح مباحث فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مشترکاً با کسب نمره ۱۳۲، میانگین ۴/۴۲ در رتبه ۹/۵ قرار گرفتند. تعامل نخبگان حوزوی - دانشگاهی در طراحی زیرساخت‌های مناسب برای بازسازی علوم انسانی با

مدیریت دانشگاه‌ها و انتخاب افراد متعهد و مخلص، کاملاً توافق دارد.

۲. بازسازی بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی متناسب با ارزش‌های اجتماعی و مذهبی جامعه با کسب نمره ۱۳۸ در اولویت دوم قرار گرفته است و مؤیدی بر لزوم مطالعه عمیق و طراحی مجدد در ساختار نظام آموزشی و پژوهشی حاکم در مراکز آموزش عالی و بازسازی براساس معیارهای ارزشی جامعه و رویکرد مذهبی حاکم بر آن است و با یافته‌های مروتی مبنی بر اقدام در تغییر ساختار آموزشی - پژوهشی و حتی اداری دانشگاه‌ها به صورت یک برنامه کوتاه‌مدت و زراعت در خصوص ایجاد فرهنگ اخلاص و برای خدا تحصیل کردن در دانشگاه‌ها و پرهیز از آفت مدرک‌گرایی و تحصیل علم برای مدرک و جایگزینی آن با فرهنگ کسب دانش در حد اعلا‌ی رشته تخصصی و دوری از مصرف‌گرایی علمی به جای تولید علم تا حدودی توافق دارد. عیوضی، دانشگاه اسلامی را مرکز پژوهش و آموزش علم نافع در راستای تهذیب می‌داند.

۳. تبیین شفاف و اجماع کامل بر روی معیارهای دانشگاه اسلامی به همراه بازسازی نظام فرهنگی دانشگاه‌ها متناسب با ارزش‌های اسلامی و اجتماعی، توأماً با کسب نمره ۱۳۷ و میانگین ۴/۵۷ در رتبه سال سوم و چهارم (۳/۵) قرار گرفته‌اند که با نظرات خان محمدی مبنی بر اینکه علی‌رغم تدوین مقالات مختلف و تعریف مفهوم «اسلامی‌کردن» و تبیین شاخص‌های آن از منظرهای مختلف، هنوز بر سر شاخص‌های اسلامی شدن اجماع حاصل نشده است و مدیریت واحدی نیز در این زمینه وجود ندارد و فعالیت‌های موازی انجام وظیفه می‌کنند. این راهکار نیز با یافته‌های مقیسه مبنی بر وجود ابهام در برخی ارزش‌ها و حدود و وظایف فقهی و حقوقی که باید در فضای

اجتهادی حوزه‌های علمیه مورد بررسی قرار گیرد و نتایج دژاکام در فقدان تلقی واحدی از دانشگاه اسلامی و ممانعت آن از شکل‌گیری دانشگاه اسلامی سازگاری دارد. از سوی دیگر، با یافته‌های مروتی در تأکید بر برنامه‌ریزی فرهنگی و ضرورت نهادینه کردن ارزش‌ها و ایجاد مصونیت فرهنگی و ایمن‌سازی محیط آن و لزوم برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌ها برای تبیین دقیق موضوع اسلامی‌شدن و خادمی در تغییر بنیادی در همه ابعاد دانشگاه با مسئولیت‌پذیری همه ملت و دولت هماهنگی دارد.

۴. از راه کارهای دیگر این مطالعه، تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها و اداره کردن آنها به صورت جداگانه و حتی برنامه‌ریزی برای صدور مجوز و ایجاد دانشگاه‌های تک‌جنسی و یا حداقل اولویت قایل شدن به این نوع دانشگاه‌ها بود که از نظر استادان، نمره ۱۲۱ با میانگین ۴/۰۲ در رتبه سیزدهم در بین ۱۵ راهکار قرار گرفت که نشان‌دهنده عدم تمایل کامل استادان نسبت به اثربخشی این راهکار و یا حداقل به عنوان یک راهکار اولویت‌دار است. البته این موضوع ظاهراً با نکات مورد تأکید باقرآبادی مبنی بر فراهم کردن زمینه تفکیک کلاس دانشجویان دختر و پسر با توجه به شرایط خاص و احساس دوران جوانی و نداشتن بازده و نتیجه سالم اختلاط دانشجویان، کمی منافات دارد که شاید علت آن در چگونگی طرح راهکار باشد.

۵. الزامی شدن رعایت موازین و ارزش‌های اسلامی در دانشگاه‌ها و حمایت از ارزش‌های دینی و معنوی و احیاناً برخورد‌های قهری با متخلفان، یکی دیگر از راه کارهای طرح شده بود که از نظر استادان با کسب نمره ۹۴ و میانگین ۳/۱۳ در جایگاه پانزدهم و به عبارتی آخرین رتبه در بین راه کارهای مورد مطالعه قرار گرفت و این مسئله با ضرورت برنامه‌ریزی جامع و همزمان برای

معارف اسلامی، هر دو با کسب نمره ۱۳۲ و میانگین ۴/۴۲ و رتبه ۹/۵ جایگاه یکسانی را کسب کردند. این مسئله با یافته‌های زراعت توافق داشته و رویکردی در راستای بیانات رهبر معظم انقلاب است که فرمودند: «علوم انسانی اهمیت دارد؛ علوم انسانی کنونی در کشور بومی نیست، متعلق به ما نیست، ناظر به نیازهای ما نیست، متکی به فلسفه ما نیست، متکی به معارف ما نیست، اصلاً ناظر به مسائل دیگری است، مسائل ما را حل نمی‌کند، دیگران طرح مسئله کردند، برای خودشان حل کردند!... باید رویکردهای اسلامی را مطرح کنیم».

۷. تعامل نخبگان حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها برای عملی شدن وحدت حوزه و دانشگاه و همکاری در طراحی زیرساخت‌های مناسب برای بازسازی علوم انسانی، از راه کارهایی است که با کسب نمره ۱۳۶ و میانگین ۴/۵۳ در رتبه پنجم راه کارهای مورد مطالعه قرار گرفت که با یافته‌های باقرآبادی به ویژه در خصوص ضرورت بازنگری در متون درسی و جهت بخشیدن به تحقیقات دانشگاهی، و زراعت که وحدت حوزه و دانشگاه را گام مهمی در اسلامی کردن دانشگاه دانسته است توافق کامل دارد. نیز با نقاط مورد تأکید علی احمدی که بیان می‌دارد: اکتفا به ظواهر دینی، پرداختن صرف به تهذیب، گرداندن مساجد و غفلت از آموزش عمیق و تخصصی دین در دانشگاه‌ها، عوامل اصلی عدم موفقیت است، هماهنگی نسبی دارد.

۸. ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان از راه‌های گوناگون از جمله شرکت دادن در همایش‌ها و نشست‌های مختلف فرهنگی و مذهبی برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها با کسب نمره ۱۲۵ و میانگین ۴/۱۷ در جایگاه دوازدهم قرار گرفت و نشان‌دهنده این است که علی‌رغم اهمیت زیاد، راهکار خیلی مؤثر و ریشه‌ای برای تسهیل فرایند اسلامی شدن نیست و مؤید دیدگاه به‌مداروند است

لایه‌های فرهنگ، یعنی دانش‌های بنیادین، ارزش‌ها و نمادها و دوری از پرداختن به نمادها بدون ارائه دانش‌های بنیادین و تبدیل آن به ارزش و باور کاملاً سازگاری دارد و با تأکیدات زراعت در این خصوص که ظاهر دانشگاه باید به گونه‌ای باشد که با دیدن آن ارزش‌های اسلامی به ذهن تداعی کند، و باقرآبادی مبنی بر اینکه در دانشگاه‌های کشور باید فریضه نماز به عنوان پایه دین هر شخص دیندار جدی گرفته شود و اگر در دانشگاه‌های کشور، محیط‌های نمازخانه موجود نباشد، تمام سرمایه‌گذاری‌هایی که صرف تربیت اسلامی می‌شود بیهوده خواهد بود، هماهنگی منطقی دارد.

تجدیدنظر در معیارهای جذب و گزینش دقیق و سازمان‌یافته اعضای هیأت علمی و استادان براساس رویکردهای دینی، راهکار دیگری بود که با کسب نمره ۱۳۴ و میانگین ۴/۴۷ در اولویت هفتم قرار گرفت و به عنوان یک راهکار تقریباً منطقی با یافته‌های مروتی مبنی بر گزینش دقیق و بسامان اعضای هیأت علمی و وارد کردن نیروهای مسلمان، معتقد و انقلابی به پیکر فکری دانشگاه‌ها به عنوان یک برنامه کوتاه‌مدت و زودبازده و تربیت اعضای هیأت علمی متعهد به صورت یک برنامه بلندمدت، و زراعت که بحث گزینش را به عنوان یکی از مسائل مهم برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها در خصوص استادان، دانشجویان و کارمندان جدی دانسته است کاملاً تناسب دارد. همچنین یافته‌های تقوی مقدم که تربیت استاد را به دلیل تأثیر سریع و همه‌جانبه آن در تحول سایر ابعاد دانشگاه به عنوان اولویت اول پیشنهاد کرده، مؤید این مهم است.

۶. بومی‌سازی علوم انسانی و درکنار آن احیای سنت اسلامی بحث آزاد و ایجاد فضای سالم و امن برای طرح مباحث فرهنگی - اجتماعی سیاسی، دو راهکار دیگر در این مطالعه بودند که براساس دیدگاه استادان دروس

برنامه‌هایی در تحکیم باورهای دینی دانشگاهیان توافق کامل دارد و به نظر می‌رسد استادان علاوه بر اینکه رکن اصلی تولید دانش و توسعه جامعه هستند، الگوی رفتاری مناسبی برای تغییرات رفتاری سایر عناصر به ویژه دانشجویان تلقی می‌شوند و یقیناً ارتقای باورهای ارزشی استادان در کنار بالندگی‌های تخصصی‌شان خود به خود می‌تواند تعالی‌بخش فرهنگ اسلامی و دینی در محیط‌های علمی و دانشگاهی باشد.

۱۱. توسعه استقلال فکری و ارتقای خودباوری علمی اندیشمندان و دانشگاهیان ایرانی، رویکردی دیگر به ارزیابی نقش حساس استادان در اسلامی شدن دانشگاه‌هاست که براساس نظرات استادان معارف اسلامی با نمره ۱۳۵ و میانگین ۴/۵ در رتبه ششم در بین پانزده راهکار قرار گرفت و برنامه‌ریزی بلندمدت برای نهادینه شدن این استقلال و خودباوری با بهره‌گیری از ظرفیت‌های انسانی عظیم حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و در کنار آن تأسی جستن از آموزه‌های فرهنگ دینی و شخصیت‌ساز، امیدهای بیشتری برای تحول‌آفرینی در این عرصه پدیدار خواهد شد. در این بین، حتی زمینه خروج از مصرف‌گرایی صرف تولیدات علمی به ویژه در عرصه علوم انسانی و تبدیل شدن به تولید و صدور تولیدات در فرایند شدن استقلال فکری نتیجه‌بخش‌تر می‌نماید.

۱۲. تدوین متون درسی براساس مبانی اسلامی به بویژه در علوم انسانی، از راه کارهای مورد مطالعه مطابق نظرات استادان معارف اسلامی دانشگاه‌ها با نمره ۱۳۲ و میانگین ۴/۳۷ در رتبه یازدهم قرار گرفت، هرچند می‌تواند گویای این باشد که راهکار اساسی برای اسلامی شدن تلقی نشده است، ولی در فرایند تحول بی‌تأثیر هم نیست و مؤید این مهم، یافته‌های زراعت است که تأکید کرده: باید مراقبت جدی صورت گیرد تا استادان مطالب باطلی را از روی عمد یا سهو تحویل

که یکی از عوامل کارساز در روند اسلامی شدن دانشگاه‌ها را، اطلاع‌رسانی صحیح همراه با تهییج و تحریک انگیزه‌های پاک عناصر سه‌گانه دانشجو، استاد و مدیر از طریق تبلیغ اثرگذار دانسته و آسیب‌شناسی و تشخیص درست علل و مشکلات را کمک بزرگی در درمان و ارائه راه‌حل برای برطرف شدن بنیادین آن بیان می‌کند.

۹. افزایش واحدهای درسی مربوط به معارف اسلامی در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه‌ها نیز راهکار مطلوبی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها شناخته نشده است. از دیدگاه استادان معارف اسلامی، این راهکار با کسب نمره ۱۰۶، میانگین ۳/۵۳ در اولویت ۱۴ قرار گرفت و به نظر می‌رسد با راهکار قبلی در خصوص ارتقای بینش سیاسی و اجتماعی تا حدودی سازگار باشد که در جامعه اسلامی ایران از نظر سطح دانش‌های دینی و بنیادین دشواری زیادی وجود ندارد. شاید مدیریت این دروس و استفاده بهینه از واحدهای درسی موجود و تبدیل شدن آنها به واحدهای تأثیرگذار در کنار معرفی الگوهای عملی رفتارها برای شکل دادن نگرش‌های دانشجویی مهم‌تر از دانش‌افزایی صرف باشد. از این‌رو، برنامه‌ریزی برای انتخاب آموزش و آماده کردن استادان مجرب و متخصص حوزوی که از اهداف نهاد رهبرها در دانشگاه‌هاست مهم‌تر از ارائه دروس جدید می‌باشد.

۱۰. ارتقای سطح بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها راهکار دیگری بود که با کسب نمره ۱۳۳ و میانگین ۴/۴۴ در جایگاه هشتم قرار گرفت. این مسئله با یافته‌های مروتی در تربیت اعضای هیأت علمی متعهد در قالب برنامه‌های بلندمدت، تقوی مقدم مبنی بر قرار گرفتن تربیت استاد به دلیل تأثیر سریع و همه‌جانبه آن در تحول سایر ابعاد دانشگاه به عنوان اولویت اول برنامه‌های کوتاه‌مدت اسلامی کردن دانشگاه‌ها در کنار اجرای مسائل اداری و مراسم عقیدتی و

دانشجویان ندهند. نیز پیشنهاد کرده است: در هر رشته تحصیلی هیأتی از متخصصان و کارشناسان متعهد و متدین مسئولیت بررسی و تأیید جزوات درسی را به عهده بگیرند.

### یافته‌ها

تجزیه و تحلیل دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی قم نشانگر اعمال راه‌کارهای زیر به ترتیب اهمیت می‌باشد:

۱. عملی‌ترین راهکار برای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها سپردن مسئولیت به مدیران متدین، متعهد و دارای حساسیت‌های ایمانی مطلوب در مراکز آموزش عالی است و تحقق این امر، اولاً، مستلزم تأمین و تربیت در قالب یک فرایند بلندمدت است و ثانیاً، دقت در اعمال معیارهای اصولی در انتخاب آنان؛

۲. تجدیدنظر و تغییر بنیادین نظام آموزشی و پژوهشی براساس ارزش‌های اصیل اسلامی و دینی جامعه از راه‌کارهای اساسی و بلندمدت در فرایند تحول دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تبدیل به یک نهاد اسلامی تخصصی و درون‌زا ضرورتی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۳. تبیین شفاف شاخص‌های یک دانشگاه اسلامی و تلاش در ایجاد اجماع کامل بین اندیشمندان و سیاست‌گذاران آموزش عالی کشور، و بازسازی نظام فرهنگی حاکم بر دانشگاه‌ها با رویکردی بر ارزش‌های اسلامی و اجتماعی با مشارکت متخصصان و صاحب‌نظران به صورت جامع؛

۴. تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه به شکل عملی و پرهیز از وحدت شعاری و کلی و ایجاد تعامل بین نخبگان و اندیشمندان حوزه علمیه و دانشگاه‌ها در راستای طراحی زیرساخت‌های مناسب برای بازسازی علوم انسانی؛

۵. تلاش در افزایش سطح استقلال فکری و تحکیم خودباوری علمی دانشمندان و متخصصان مراکز آموزش عالی؛

۶. گزینش دقیق و مبتنی بر معیارهای تجدیدنظر شده براساس رویکردهای دینی (نه سیاسی و اقتصادی) اعضای هیأت علمی و استادان دانشگاه‌ها؛

۷. تلاش در جهت ارتقای سطح بینش سیاسی و اجتماعی اعضای هیأت علمی از طریق ارائه آموزش‌های

مختلف در قالب دوره‌های رسمی و یا ضمن کار علمی؛

۸. برنامه‌ریزی برای بومی‌سازی علوم انسانی

دانشگاه‌ها و زمینه‌سازی برای احیای سنت الهی بحث آزاد

براساس طرح مباحث سیاسی اجتماعی و فرهنگی؛

۹. تدوین متون برنامه‌های درسی براساس مبانی

اسلامی بخصوص در علوم انسانی و تلاش در جهت

افزایش سطح بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان؛

۱۰. تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها به ویژه در حد

کلاس‌های مخصوص دختران و پسران در حد امکان؛

۱۱. افزایش تعداد واحدهای درسی در زمینه معارف

اسلامی برای دانشجویان رشته‌های مختلف؛

۱۲. الزامی شدن التزام عملی دانشگاهیان در رعایت

موازین شرع اسلامی و حمایت دولتی و رسمی از

ارزش‌های دینی و معنوی.

### پیشنهادها

۱. با توجه به دشواری‌های موجود، برای تحقق دانشگاه اسلامی، تبیین شاخص‌های عملی و قابل اجرا و زمینه‌سازی برای نظریه‌پردازی علمی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

۲. برای عملی شدن دانشگاه اسلامی، انجام تحقیقات

گسترده و میدانی و با مشارکت دادن همه اجزا و عناصر

دانشگاهی اعم از استادان، دانشجویان، مدیران، کارکنان و...

نه تنها موجب باز شدن ابعاد مختلف و همه‌جانبه موضوع

می‌شود، بلکه فرایند شکل‌گیری در مراحل اجرایی را نیز

تسریع نموده و انگیزه‌های اجرایی را افزایش می‌دهد.

۸. پیشنهاد می‌شود همزمان با اتخاذ راهبردهای کلان، از جمله تربیت و به کارگماردن استادان و مدیران حساس به مبانی اسلامی که یک فعالیت بلندمدت است دانشگاه‌ها در تحکیم مظاهر اسلامی و نمادهای مذهبی و فعالیت‌های کوتاه‌مدت و زودبازده خود کامل انجام وظیفه کنند.

#### پی‌نوشت‌ها

- ۱- مجتبی عطارزاده، «دانشگاه و نوآوری با کارکرد و آسیب‌شناسی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۴۰، ص ۲۴.
- ۲- مجید کاشانی، «تحلیل راه کارهای مصوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاه‌ها»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۲۵ و ۲۶، ص ۱۶.
- ۳- عباس زراعت، «راه‌های اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۱، ص ۵۳.
- ۴- عین‌الله خادمی، «نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۱۵، ص ۸۰.
- ۵- علی اشرف عیوضی، «قطره‌ای از دریا: سیری در اندیشه امام خمینی علیه السلام درباره دانشگاه اسلامی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۱۴، ص ۲۱.
- ۶- عباس زراعت، همان، ص ۵۴.
- ۷- احمد علم‌الهدی، «اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۱۷، ص ۲۷.
- ۸- زینب بانسی، «راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها براساس دیدگاه اساتید معارف اسلامی دانشگاه‌های قم»، ص ۲۵.
- ۹- کریم خان محمدی، «فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران؛ با رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۳۱ و ۳۲، ص ۸۶.
- ۱۰- نادر قورچیان و دیگران، *دائرةالمعارف آموزش عالی*، ج ۱، ص ۴۳۵.
- ۱۱- محسن قمی، «نقش دانشگاه در ارتقای فرهنگ دینی»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۱۴، ص ۲۰۱.
- ۱۲- «گروه مطالعات معاونت پژوهشی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها: تحلیلی بر اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۱، ص ۹۹.
- ۱۳- زینب بانسی، همان، ص ۳۵.
- ۱۴- حسین مقیسه، «موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۲۷، ص ۸۹.
- ۱۵- زینب بانسی، همان، ص ۳۵.
- ۱۶- همان.
- ۱۷- بهرام اخوان‌کازمی، «راه کارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، *دانشگاه اسلامی*، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۲۸-۲۹.

۳. اغلب مطالعات انجام شده در حوزه اسلامی شدن دانشگاه‌ها، براساس روش‌های منابع محور انجام شده است و اغلب بیانگر دیدگاه‌های بخش محدودی از جامعه است. برای جامعیت و عینیت بیشتر یافته‌ها، انجام مطالعات پیمایشی و توصیفی گسترده بسیار مطلوب خواهد بود.

۴. برنامه‌ریزی برای ارائه آموزش‌های تخصصی و جبرانی برای آشنا کردن استادان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها در خصوص ضرورت و فرایند فعالیت در جهت ارتقای تحقق دانشگاه اسلامی و کاهش تقابل‌های احتمالی و جلوگیری از شکل‌گیری اندیشه‌ای یک‌سو و افزایش مسئولیت‌پذیری مهم‌ترین ارکان تخصصی جامعه دانشگاهی و الگوی رفتاری دانشجویان، بسان آموزش دروس تربیتی در حین استخدام و حتی در دوران خدمت به صورت ضمن خدمت می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.

۵. طرح مسئله و استفاده از پیشنهادها خلاق استادان دانشگاه‌ها در رشته‌های مختلف، نه تنها موجب تعمیم موضوع می‌شود، بلکه احترام به توانمندی‌های آنان تسهیل‌کننده و اثربخش خواهد بود.

۶. به نظر می‌رسد دانشگاه اسلامی نه به عنوان کارکرد یک دستگاه، بلکه باید جزء جدایی‌ناپذیر تمام فرایندهای اجتماعی و نیز فرهنگ عمومی جامعه تلقی و درونی شود و همه منابع دولتی و غیردولتی و همه ساختارها در آن مشارکت فعال داشته باشند و یقیناً ثبات در مدیریت اسلامی کردن دانشگاه‌ها از آسیب‌دیدن اجرای سیاست‌گذاری‌ها خواهد کاست.

۷. به نظر می‌رسد فرایند اسلامی شدن دانشگاه‌ها کاملاً یک برنامه‌آرشادی و ترغیبی است و هنوز متمرکز و الزامی نشده است؛ از این رو، باید نظریات و دیدگاه‌های اسلامی به صورت کامل و دقیق در کنار سایر نظریات مطرح شود و دانشگاهیان آن را انتخاب کنند.

- ۱۸- همان، ص ۳۰.
- ۱۹- علی اکبر نوایی، «پروژه اسلامی شدن دانشگاه‌ها و راه کارهای آن»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۸ و ۱۹، ص ۴۶.
- ۲۰- سهراب مروتی، «از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۳، ص ۱۲.
- ۲۱- فرامرز باقرآبادی، «راه کارهای عملی اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۲، ص ۶۳.
- ۲۲- گروه مطالعات معاونت پژوهشی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، همان، ص ۹۲-۹۶.
- ۲۳- همان.
- ۲۴- عباس زراعت، همان، ص ۵۲.
- ۲۵- مصطفی تقوی مقدم، «اولویت‌گذاری در برنامه‌های کوتاه مدت اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱، ص ۳۷.
- ۲۶- عین‌الله خادمی، همان، ص ۹۳.
- ۲۷- علی اشرف عیوضی، همان، ص ۱۳.
- ۲۸- حسین‌علی احمدی، «مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۴، ص ۳۸-۲۳.
- ۲۹- علی دژاکام، «برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۷، ص ۶۳.
- ۳۰- حسین مقیسه، همان، ص ۱۰۰.
- ۳۱- محمدمهدی بهداروند، «راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۲۷، ص ۵۹.
- ۳۲- کریم خان محمدی، همان، ص ۸۳.
- ۳۳- زینب بانثی، همان، ص ۸۳-۸۰.
- ۳۴- بهرام اخوان‌کاظمی، همان، ص ۲۲.
- ۳۵- علی اکبر نوایی، همان، ص ۴۶.
- ص ۴۸-۳۶.
- خادمی، عین‌الله، «نقش دانشجویان در اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۵، زمستان ۱۳۸۱، ص ۷۹-۹۳.
- خان محمدی، کریم، «فرایند اسلامی کردن دانشگاه‌ها در ایران با رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۸۱-۱۲۲.
- دژاکام، علی، «برداشت‌های گوناگون از دانشگاه اسلامی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۴۹-۶۲.
- زراعت، عباس، «راه‌های اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱، تابستان ۱۳۷۶، ص ۴۵-۶۴.
- عطارزاده، مجتبی، «دانشگاه و نوآوری با کارکرد و آسیب‌شناسی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۴۰، زمستان ۱۳۸۷، ص ۲۳-۴۲.
- علم‌الهدی، احمد، «اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۱-۲۹.
- علی‌احمدی، حسین، «مفهوم و ماهیت دانشگاه اسلامی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۴، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۳-۳۸.
- عیوضی، علی اشرف، «قطره‌ای از دریا: سیری در اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام درباره دانشگاه اسلامی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۴، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۳-۲۲.
- قمی، محسن، «نقش دانشگاه در ارتقاء فرهنگ دینی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۴، پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۰۱-۲۱۱.
- قورچیان، نادر و دیگران، **دائرةالمعارف آموزش عالی**، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۸۳.
- کاشانی، مجید، «تحلیل راه کارهای مطلوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۱۳-۴۶.
- گروه مطالعات معاونت پژوهشی نهاد رهبری در دانشگاه‌ها، «تحلیلی بر اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱، تابستان ۱۳۷۶، ص ۹۱-۱۰۴.
- مروتی، سهراب، «از دانشگاه تا دانشگاه اسلامی»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۳، زمستان ۱۳۷۶، ص ۱۱-۲۴.
- مقیسه، حسین، «موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۲۷، پاییز ۱۳۸۴، ص ۸۹-۱۰۱.
- نوایی، علی اکبر، «پروژه اسلامی شدن دانشگاه‌ها و راه کارهای آن»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۸ و ۱۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۲، ص ۴۵-۷۱.
- ..... منابع
- اخوان‌کاظمی، بهرام، «راه کارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱۸ و ۱۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۲، ص ۲۱-۴۴.
- باقرآبادی، فرامرز، «راه کارهای عملی اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۲، پاییز ۱۳۷۶، ص ۶۲-۷۳.
- بانثی، زینب، «راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها بر اساس دیدگاه اساتید معارف اسلامی دانشگاه‌های قم، پایان‌نامه کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، قم، دانشگاه قم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۹.
- بهداروند، محمدمهدی، «راه کارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۲۷، پاییز ۱۳۸۴، ص ۵۹-۸۸.
- تقوی مقدم، مصطفی، «اولویت‌گذاری در برنامه‌های کوتاه مدت اسلامی کردن دانشگاه‌ها»، **دانشگاه اسلامی**، ش ۱، تابستان ۱۳۷۶، ص ۳۷-۴۶.